

## A Comparison between the View of Imāmīah Fiqh and the Four Schools of Thought about Dissection of the Corpse<sup>۱</sup>

### Mohammad Mehdi Habibi

PhD. Student, Department of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran. mmhabibi@gmail.com

### Alireza Asgari

Assistant Professor, Department of Law, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran (Corresponding Author). as@gmail.com

### Seyyed Hasan Abedian

Assistant Professor, Department of Law, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran. hac@gmail.com

### Abstract

The purpose of the present research is jurisprudential study of dissection of the corpse condition in Imāmīah Fiqh compared to the four schools of thought. The method of study is descriptive-analytic and the results showed that the Sunnis have also admitted dissection of the corpse according to requirements. The Shāfe'is hold the closest view to Imāmīah Fiqh about dissection of the body. The Māleki school has adopted stricter views with respect to corpse corruption. The Hanbalis believe that transportation of the corpse from a city to another for dissection is forbidden. The Hanafis have allowed a limited time for dissection after which the dead body must be buried. Therefore, it is concluded that except in exceptional circumstances, Imāmīah Fiqh and the four schools of thought have common views about dissection of the corpse.

**Keywords:** Dissection of the Corpse, Imāmīah Fiqh, Four Schools of Thought, Dignity of the Dead Person, Mutilation, Blood Money for the Crime against the Dead Person.

---

<sup>۱</sup> Received: ۲۰۲۰/۱۲/۱۷    Revision: ۲۰۲۱/۰۱/۰۴    Accepted: ۲۰۲۱/۰۱/۲۴

## تطبیق دیدگاه فقه امامیه و مذاهب اربعه در مورد تشریح جسد<sup>۱</sup>

محمد مهدی حبیبی

دانشجوی دکتری، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. mmhabibi@gmail.com

علیرضا عسگری

استادیار، گروه حقوق، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول). as@gmail.com

سیدحسن عابدیان

استادیار، گروه حقوق، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. hac@gmail.com

### چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی فقهی وضعیت تشریح جسد در فقه امامیه و تطبیق آن با مذاهب اربعه است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و نتایج نشان داد که اهل سنت نیز بنا به مقتضیات، اصل تشریح جسد را پذیرفته‌اند. شافعیان در مورد تشریح جسد، نزدیک‌ترین دیدگاه با فقه امامیه را دارند. مذهب مالکی نسبت به فساد جسد سخت‌گیری‌های بیشتری به عمل آورده است. حنابله انتقال جسد از شهری به شهر دیگر را برای تشریح ممنوع می‌دانند. حنفیان مدت محدودی را برای تشریح ذکر کرده‌اند و پس از پایان آن، می‌بایست نسبت به تدفین میت اقدام کرد. لذا، می‌توان نتیجه گرفت که جز در موارد جزئی، دیدگاه مذاهب اربعه با فقه امامیه در مورد تشریح جسد یکسان است.

**کلیدواژه‌ها:** تشریح جسد، فقه امامیه، مذاهب اربعه، حرمت میت، مثله کردن، دیه جنایت میت.

<sup>۱</sup> تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۲۷ تاریخ اصلاح: ۱۳۹۹/۱۰/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۰۵

## مقدمه

علم‌آموزی در اسلام، به موجب حدیث معروف ز گهواره تا گور دانش بجوی<sup>۱</sup> (پیامبر اکرم (ص))، یکی از توصیه‌های اکید بوده که فرامین شرعی برخاسته از تفسیر این حدیث نبوی، مفصل است. دستیابی به قله‌های علم، می‌تواند یکی از راه‌های کسب قدرت برای جامعه اسلامی باشد. یکی از راهکارهای استعمار در قرن اخیر، کسب علوم و دانشی بوده که کشورهای مستعمره یا از آن بی‌بهره بوده و یا در صورت تلاش برای دستیابی به آن، با چالش‌هایی از طرف استعمارگران مواجه بودند. استعمار منابع طبیعی کشورها، به واسطه دانش در این موضوع حاصل شد.

## مسئله پژوهش

در حال حاضر، تهیه جسد به منظور تدریس در دانشگاه‌های علوم پزشکی از دو طریق صورت می‌گیرد. نخست اجساد افرادی که بستگان مشخصی نداشته و طی مراحل قانونی، از طرف شهرداری به دانشگاه علوم پزشکی اهداء می‌شود. دوم افرادی که بنا به وصیت خود، جسد آن‌ها پس از مرگ، در اختیار دانشگاه علوم پزشکی قرار می‌گیرد. اما نکته قابل توجه این‌که مسئله دفن جسد، یکی از مسائل مهم در شرع مقدس اسلام بوده که در زمان صدور احکام اصلی، مسئله تشریح جسد، وجود نداشته و این مهم هم‌اکنون یک مسئله جدید محسوب می‌گردد که فقهای معاصر در این باره اظهارنظر کرده‌اند. فقهای محترم با بررسی آیات و روایات، تحت شرایطی حکم به جواز تشریح جسد داده‌اند. منشاء صدور احکام مرتبط، آیات و روایات معتبر اسلامی بوده و فقهای اهل تشیع و اهل سنت بدان تمسک جسته‌اند. اما منابع معتبر فقهای اهل تشیع، در مورد تشریح جسد، بیشتر به چشم می‌خورد. در مجموع اکثر صاحب‌نظران معتقدند که نظر فقهای اهل سنت و تشیع در مورد تشریح جسد یکسان بوده و ادله قرآنی که بر اساس آن حکم به فتوا شده، یکسان است. با توجه به این‌که منابعی که فقهای مذاهب در صدور احکام بدان تمسک جسته، یکسان بوده و همگی در سایه اسلام عزیز، قرار دارند، نیاز است که وجوه اشتراک و افتراق نظرات بررسی شده تا بدین وسیله، نقاط قوت و ضعف نظرات سنجیده شود.

## اهداف پژوهش

هدف پژوهش حاضر مطالعه تطبیقی بین مذاهب اسلامی در مورد تشریح جسد در دانشگاه‌های علوم پزشکی ایران است.

<sup>۱</sup> «أَطْبِئُوا الْعِلْمَ مِنَ الْمَهْدِ إِلَى اللَّحْدِ»

## روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش با اتخاذ روش استدلالی و تحلیل توصیفی و با استفاده از شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی و نیز با مطالعه متون فقهی و مقایسه آن با دیدگاه‌های علمای حقوق و مدنظر قرار دادن مواد قانون و آراء و تطبیق آن با اسناد حقوقی به جمع‌آوری اطلاعات پرداخته و با توصیف و تجزیه و تحلیل آن‌ها به نتیجه‌گیری ابعاد مختلف موضوع پژوهش پرداخته شده است. از آنجا که نوع این تحقیق نظری است، در ضمن بحث، موارد سکوت قانون کشف شده و حتی الامکان برای رفع آن کوشیده است و برخی پیشنهادهای اصلاحی هم ارائه شده است تا گامی در راه تبیین نقاط مهم و خلاءهای قانونی در حقوق ایران و مرتفع نمودن آن بردارد.

## نوآوری پژوهش

تاکنون تحقیقی در مورد تطبیق نظرات مذاهب اربعه با فقه امامیه در مورد تشریح جسد ارائه نشده است. پیش‌تر تحقیقاتی در مورد حکم تشریح جسد انجام شده، اما این تحقیقات در مورد مذاهب اربعه اهل سنت بسیار ناقص است. لذا، جنبه نوآوری این پژوهش اولاً تحقیق حکم تشریح جسد در مذاهب اربعه و سپس مقایسه آن‌ها با یکدیگر بوده که به نوعی مطالعه تطبیقی محسوب شده و در نوع خود کاملاً جدید محسوب می‌شود.

## مبانی تشریح جسد

تشریح در لغت به معنای گشودن و آشکار ساختن چیزی، بیان کردن و شرح دادن مطلب، شرحه شرحه کردن، قطعه‌قطعه کردن، از هم جدا کردن (عمید، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۲۸۵)، نیک شرح کردن، نیک بیان کردن، به کمال وضاحت بیان کردن و آشکار کردن (دهخدا، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۶۳۱)، شرح دادن و کار کردن بر روی کالبد مرده انسان برای شناسایی و شرح عمل اعضاء کالبدشکافی (معین، ۱۳۹۷، ج ۱، ص ۷۴۱)، بازشکافی و کالبدشکافی (رازی، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۲۵۴) آمده است.

تشریح در زبان عرب به معنای جدا کردن گوشت از عضو به شیوه‌ای مخصوص و به قولی دیگر جدا کردن گوشت از استخوان به شیوه‌ای مخصوص، آمده است و لذا به قطعه جدا شده شرحه یا شریحه می‌گویند و تشریح یعنی «شرحه کردن». تشریح در لغت به معنای اظهار، کشف و تبیین شیء هم آمده است (فرهنگ لغت عربی به فارسی، ۱۳۹۵، ج ۳، ص ۱۱۱). تشریح را در فارسی کالبدشکافی و در زبان لاتین دسکشن<sup>۱</sup> می‌گویند.

تشریح کالبدشکافی و علم تشریح کالبدشناسی، در حوزه پزشکی، دو مفهوم ملازم یکدیگرند. تشریح در اصطلاح پزشکی عبارت از مطالعه وضعیت اجزای مختلف بدن و یا مطالعه و شناخت ساختمان بدن انسان و اندام‌های مختلف تشکیل دهنده آن و بالاخره روابط فی‌مابین اندام‌ها، می‌باشد (بهشتی، ۱۳۹۲، ص ۶۰).

<sup>۱</sup> Dissection

درباره مشکوک الإسلام، فتوای فقها مختلف است. بعضی از فقها، مشکوک الاسلام را از نظر حرمت و عدم حرمت، به کافر ملحق کرده‌اند، ولی برخی دیگر قائل به تحصیل شده‌اند. به این صورت که اگر جسد در بلاد اسلامی یافت شود، محکوم به اسلام و اگر در بلاد کفر پیدا شود، محکوم به کفر است. آیت‌الله سیستانی فرمودند: تشریح بدن مرده کافر با همه اقسامش، جایز است. همچنین کسی که اسلامش مشکوک است، و فرقی بین وجودش در سرزمین اسلامی یا غیر آن نیست، تشریحش جایز است، و کسی که در حال حیات محقوق الدم بودنش مشکوک است، پس تشریح بدنش زمانی که اماره‌ای بر محقوق الدم بودنش نباشد، جایز است. قطع عضو از بدن میت کافر مهذور الدم با مشکوک برای پیوند به بدن مسلمان جایز است و احکام مسلمان بعد از آن بر آن مترتب می‌شود، چون جزئی از آن شده است، همچنان که اشکالی در پیوند به عضوی از اعضای بدن حیوان نجس العین مانند سگ و مانند آن نیست و احکام مسلمان بر آن مترتب می‌شود و نماز خواندن در آن به اعتبار طهارتش جایز است. به دلیل این که با حلول روح در آن، جزئی از بدن زنده شده است (سیستانی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۴۵۸).

آقای خامنه‌ای در پاسخ به این سؤال که اگر ندانیم جسدی که در اختیار ما است، جسد یک مسلمان است یا کافر یا اهل کتاب؟ آیا مجازیم آن را تشریح نماییم؟ فرموده‌اند: اگر اماره‌ای (نشانه معتبر) بر اسلام با ذمه اسلام بعد از فحص و تحقیق، نباشد و وقف امور هم بر تشریح آن باشد و اجازه گرفتن از حاکم شرع که بصیر در موضوعات و احکام است بشود، در موارد خاصه‌اش، دور نیست که جایز باشد.

همچنین فرموده‌اند: اگر حفظ حیات بیمار متوقف بر پیوند عضو یا اعضای مجهول‌الهویه باشد و آن جسد هم احترامی نداشته باشد که مانع باشد (مثل اینکه محکوم به اسلام باشد، چون نمی‌توان جسد میت مسلمان را تقطیع نمود، مگر با شروطی)، مانعی ندارد و در فرض فوق، اگر بعداً ولی متوفی پیدا شود و از این کار ناراضی باشد، ظاهراً به دیه با ضمان قیمت تنزل پیدا می‌کند و اگر آن پیوند با اذن مریض یا ولی مریض بوده، ظاهراً خود مریض ضامن است.

آیت‌الله فاضل لنکرانی در پاسخ به این سؤال که اگر ندانیم جسدی که در اختیار ماست، جسد مسلمان است یا کافر یا اهل کتاب؟ آیا مجازیم آن را تشریح کنیم، می‌گویند: مانعی ندارد (فاضل لنکرانی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۵۷۶). آیت‌الله مکارم شیرازی در پاسخ به این سؤال می‌گویند: اگر جسد از بلاد اسلامی نباشد، مانعی ندارد و اگر مربوط به بلاد اسلامی است، ظاهر این است که مسلمان است و احکام مسلمان بر او جاری می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰ الف، ص ۴۴۸).

آیت‌الله صافی گلپایگانی درباره پرسش فوق می‌گویند: دایر مدار این است که میت در چه محلی باشد. اگر در دارالسلام و بلاد مسلمین است، محکوم به اسلام است (گلپایگانی، ۱۳۹۴، ص ۶۰؛ صافی گلپایگانی، ۱۴۱۹ق، ص ۵۵). امام خمینی در پاسخ این سؤال که اگر میتی مشکوک باشد که مسلم است یا کافر و راهی برای حکم به اسلام او نباشد، جایز است تشریح کردن آن یا خیر؟ می‌فرماید: مانع ندارد (امام خمینی، ۱۳۸۰، ص ۴۲).

آیت‌الله خوئی می‌فرماید: تشریح مرده کافر با جمیع اقسامش، جایز و بلا مانع است. همچنین تشریح بدن میتی که در اسلام و کفرش شک داریم، جایز است و در این حکم فرقی نمی‌کند که مرده در بلاد اسلامی باشد یا غیر بلاد اسلامی (خوئی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۴۲۶).

### دیدگاه اهل سنت در مورد تشریح جسد

دیدگاه کلی اهل سنت، شرایطی که پیش‌تر بیان شد را برای تشریح جسد بر شمرده و حکم کلی تشریح در دو مذهب اسلامی یکسان است. اما جزئیاتی مرتبط با جسد، در مذاهب مختلف متفاوت بوده و برخی استنادهای جزئی در مورد اجساد بین مذاهب مختلف اهل سنت اندکی تفاوت دارد که عمدتاً به نحوه تشریح جسد مرتبط است و نه اصل آن. علمای بزرگ اهل تشیع و تسنن بر یکسان بودن نظر عمومی تشریح جسد تأکید دارند. در اینجا به تفکیک مذاهب اربعه، دیدگاه‌ها در مورد تشریح جسد بیان شده است.

#### حنفی

مذهب حنفی در مورد لزوم خاکسپاری، همچون فقهای شیعه سخت‌گیری لازم را به عمل آورده است. مطابق دستورات این مذهب، غسل دادن و کفن کردن میت، به‌رغم وجود تفاوت‌هایی در جزئیات با فقه امامیه، واجب بشمار می‌رود، ولی تحنيط واجب نیست. در واقع لزوم حتمی دفن میت مطابق با آئین اسلام که غسل و کفن برای آن تعریف شده و به اصطلاح به آن تجهیز میت گفته می‌شود، در این مذهب نیز واجب است، اما لزومی به معطر نمودن میت تعریف نگردیده است. گریه و ناراحتی بیش از حد برای میت نیز نکوهیده شده و تسریع در عادی‌سازی فعالیت‌های زندگی توصیه شده است. در عین حال بر فضیلت و ثواب تشییع جنازه میت مسلمان تأکید بسیار شده است. در مورد مکان دفن میت، انتقال دادن میت مسلمان از شهری که در آن وفات کرده، به جایی دیگر، پس از دفن (جز در موارد خاص) صحیح نیست، اما بیش‌تر آنان، با شروطی، نقل و انتقال او قبل از دفن را صحیح شمرده‌اند. در واقع تنها به شرایط اضطرار، انتقال به شهر دیگر برای تدفین مجاز شمرده شده و به صورت کلی این عمل نکوهیده شده است. حکم اولی در این مذهب بر لزوم تجهیز و تدفین به موقع میت است و نگهداری آن توجیه شرعی ندارد. در کتب فقهی این مذهب، شرایطی بسیار سخت، آن هم در شرایط اضطرار برای نگاه داشتن جسد ذکر شده که در اینجا به بحث در این مورد پرداخته شده است.

#### دیه

فقهای مذهب حنفی به طور صریح و در موارد متعددی از دیه به عنوان موضوعی که ماهیتی جبرانی و غیر جزایی دارد یاد کرده و بر این نکته نیز تصریح نموده‌اند که دیه در مقابل تلف حاصل شده از جنایت و به عبارت دیگر، ارتکاب جنایت وضع شده است، نه در مقابل ارتکاب جنایت و به عنوان مجازات آن؛ چون فعلی که منجر به خسارت و تلف شده، اگر به وصف خطا متصف بوده است، نباید موجب بازخواست فاعل آن شود، به این جهت که خطا شرعاً عذر به حساب می‌آید و موجب سقوط تکلیف می‌شود. اما این مانع از الزام فاعل و موجب تلف به جبران خسارت نمی‌گردد، چنان‌که،

شمس‌الدین سرخسی در عبارتی می‌گوید: همانا دیه به سبب اتلاف، واجب می‌شود که به جهت ارتکاب فعل خطایی؛ زیرا که در خطا عذری می‌باشد که ساقط‌کننده تکلیف است (سرخسی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۲۵۴). عبدالله مودود یکی دیگر از فقهای حنفی در همین مورد می‌گوید: اگرچه تردیدی نیست که خطا عذر به حساب می‌آید، اما این عذر حرمت و ارزش نفس را از بین نمی‌برد و تنها مانع مجازات می‌گردد (مودود، ۱۴۰۱ق، ج ۲، ص ۳۶۵).

کسی که از سر خطا جنایتی مرتکب شده است، از این‌رو، شرع به جهت حفظ حرمت جان آدمی و جلوگیری از پایمال شدن خون او، دیه را واجب کرده است. این فقیه حنفی (سرخسی) نیز با بیان این نکته که خطا و اشتباه در فعل، عذر به حساب می‌آید و نمی‌توان بر اساس فعلی که از روی خطا واقع شده است کسی را مجازات نمود، تصریح می‌کند که شارع مقدس دیه را بدین منظور واجب نموده است که خون آدمی به هدر نرود و بی‌جبران باقی نماند. بنابراین، در دیه جنایت علیه میّت در صورت خطا بودن چیزی ثابت نیست.

### تشریح جسد با هدف آموزش

نظر جمهور فقهای حنفی در مورد تشریح جسد، مدت محدود برای این عمل و سپس دفن میّت است. در این مورد می‌توان به فتوای داماد افندی اشاره کرد. اداره امنیت آن زمان که در حکم پلیس آگاهی امروزه است، با هدف آموزش به کارآموزان افسری نیازمند تشریح جسد بود که بنا به فرموده ایشان، با حفظ حرمت جسد و ممانعت از فساد آن که با توجه به امکانات آن زمان تنها یک ماه بود، اجازه تشریح به مدت یک ماه را صادر کرد (داماد افندی، ۱۰۷۹ق، ج ۱، ص ۲۵۴). آسیب رساندن به میّت برای اعمالی همچون آموزش عمل جراحی ممنوع است. در فتوای این مذهب، جسد تنها با رضایت خانواده، وصیت وی، و یا مجهول‌الهویه بودن به دانشگاه سپرده شده و عمل بخیه بر روی پوست بدن میّت، بلا مانع است. با توجه به قدمت آموزش پزشکی در مصر، نیاز به تشریح جسد احساس می‌شد که در این باره، حصفکی این فتوا را صادر کرد و تنها بخیه زدن روی پوست میّت را جایز دانست. رضایت خانواده را نیز با توجه به موروثی بودن جسد، یکی از شرایط واگذاری خواند (حصفکی، ۱۰۸۸ق، ج ۱، ص ۲۵۴). اما جدا کردن اعضاء از بدن میّت، همچون جدا کردن ستون فقرات، کلیه و دیگر عوامل، به صورت کلی ممنوع بوده و در صورت اعمال آن دیه ثبوت پیدا می‌کند. می‌توان با شکافتن شکم میّت، اعضاء آن را تشریح کرد، ولی مجاز به جدا کردن اعضاء نبوده و تنها معرفی آن‌ها ضرورت دارد (ابن عابدین، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۴۳). با توجه به فتوای داماد افندی که با توجه به امکانات آن زمان، مدت یک ماه را برای تشریح جسد مناسب دانست، این مدت زمان برای این منظور در برخی منابع، یک ماه، در برخی منابع شش ماه و برخی یک سال آمده، ولی جمهور فقهای حنبلی مدت شش ماه را برای تعلیق تدفین میّت لحاظ کرده و در نهایت جسد پس از شش ماه، می‌بایست با حفظ احترام، دفن گردد.

از این منابع چنین برداشت شده که توصیه فقه اهل سنت حنفی همانند فقه امامیه به لزوم و ضرورت جان مسلمانان بوده، لیکن در نحوه تشریح احکام تفاوت‌هایی وجود دارد. اولویت داشتن جسد کافر برای تشریح نیز در منابع این فقه مشاهده نشده و تنها شرایط مذکور، به عنوان اهمّ وضعیت تشریح جسد ثبوت داشته است. مسئله دیه نیز از آنجا با فقه

امامیه متفاوت بوده که به جز صورت بیرونی جسد، آسیب رساندن به هر عضو داخلی در حین تشریح، مستوجب دیه بوده و این در حالی است که فقه امامیه با سخت‌گیری کم‌تر، اجازه آسیب به اجزای داخلی بدن را داده است.

### حنبلی

این مذهب به نسبت دیگر مذاهب اهل سنت، سخت‌گیری بیشتری در مورد مسئله میّت نموده و احترام خاصی را برای آن برشمرده است. تشریح جسد در این مذهب تحت شرایطی خاص ممکن است. در این مذهب، غسل دادن و کفن کردن میّت واجب می‌باشد، اما معطر نمودن میّت واجب نیست. در این باره مذاهب حنبلی و حنفی اشتراکاتی دارند. به تبع آن در منابع فقهی آن‌ها بر فضیلت و ثواب تشییع جنازه میّت مسلمان تأکید بسیار شده است. تنها مدت سه روز برای عزاداری تعیین شده و هرگونه اضافه عزاداری نکوهیده شده است. در این مذهب، انتقال میّت به شهر دیگر تحت هیچ شرایطی مجاز نیست. تنها در صورتی که خطر جانی برای تشییع‌کنندگان وجود داشته باشد، جسد قابل انتقال به شهر دیگری است. لذا، در مسئله تشریح نیز این سخت‌گیری وجود داشته و انتقال جسد از شهری به شهر دیگر ممنوع شده است. لزوم اولویت جسد کافر برای تشریح نیز وجود دارد که پیش‌تر در مذهب حنفی بدان توجه کافی نشده بود.

### دیه

فقه‌های این مذهب (حنبل‌ها) نیز دیه را طریق جبران آنچه به سبب جنایت تلف شده، دانسته‌اند و در اثبات سایر احکام دیات نیز این موضوع را لحاظ کرده و بر اساس آن به استدلال و اظهار نظر پرداخته‌اند. برای نمونه می‌توان به عبارتی اشاره کرد که ابن قدامه در المقنی در بیان یکی از احکام دیات ذکر می‌کند، غرض از دیه، جبران آنچه فوت شده و از دست رفته است، می‌باشد و چون در جبران شرط نشده که حتماً از جنس مال کسی که جبران بر او واجب شده صورت گیرد، لذا در دیه نیز لازم نیست دیه از همان جنسی باشد که در نزد جانی موجود است. این فقیه در جای دیگری می‌گوید: چون کفاره برای پوشاندن گناه جانی تشریح شده است، لذا کسی دیگر نمی‌تواند به جای جان، کفاره را ادا کند. اما در مورد دیه چنین نیست و شخص موضوعیت ندارد. چون فلسفه تشریح دیه جبران خسارت حاصل از جنایت است و این غرض به هر طریق و توسط هر شخصی حاصل شود، کفایت می‌کند (ابن قدامه، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۴۳۵). ابن قدامه در جایی دیگر در مورد دیه می‌گوید: دیه همانند بدلی که در تلف اموال پرداخت می‌شود، به منظور جبران آنچه از دست رفته، واجب شده است. بنابراین، فقه‌های این مذهب نیز دیه را به ازای تلف حاصل از جنایت اثر جنایت دانسته و تشریح آن را طریقی برای جبران خسارت وارد شده بر مجنی علیه و اولیای او می‌دانند (همان).

### تشریح جسد با هدف آموزش

طبق نظر جمهور فقها، حکم تشریح جسد با هدف آموزش پزشکی، مجاز است. انتقال میّت از شهری به شهر دیگر ممنوع بوده و در محلی که میّت فوت کرده، می‌توان جسد وی را تشریح نمود. این فتوا توسط چند تن از فقه‌های بزرگ مذهب حنبلی داده شده و استناد مناسبی دارد. لذا، جایجایی جسد با هدف تشریح ممنوع شمرده شده است. وصیت و مجهول‌الیه بودن تنها راه تشریح جسد مسلمان است. چنین تفسیر شده که رضایت وراثت اگر منطبق بر رضایت متوفی



نباشد، قدرت اعمال ندارد. در این مورد چون جسد ارزش مالی ندارد، نمی‌توان به حکم توارث نسبت به رضایت وراثت برای واگذاری آن اقدام کرد (نجلی، ۱۰۹۷ق، ج ۲، ص ۲۴۵).

اولویت تشریح با جسد کافر است، این مسئله علی‌رغم عدم ذکر در مذهب حنفی، در اینجا به صراحت عنوان شده و همچون فقه امامیه، می‌بایست با حفظ اولویت جسد کافر، تشریح را انجام داد (قاری، ۱۳۵۹ق، ج ۱، ص ۵۴۳). نکته مهم اینکه تشریح تنها برای هم‌جنسان مجاز است و تشریح جسد زن برای دانشجویان و استاد زن و تشریح جسد مرد برای دانشجویان و استاد مرد مجاز خواهد بود. در این مذهب نسبت به هم‌جنس بودن تشریح کنندگان و تشریح شونده سخت‌گیری خاصی شده است (همان). مدت زمان محدودیت تشریح ذکر نشده و می‌تواند تا هر زمان که نیاز باشد می‌تواند در دانشگاه نگاه داشت (بهوتی، ۱۰۵۱ق، ج ۲، ص ۳۲۴). در مورد دیه مرتبط بدان سخت‌گیری خاصی به عمل نیامده است. لذا، قطعه‌قطعه کردن جسد با هدف آموزش پزشکی مجاز بوده و پس از غیر استفاده بودن جسد، می‌توان آن را تدفین نمود. رضایت وراثت می‌تواند برای تشریح جسد کافی نبوده و تنها وصیت می‌تواند در زمان زنده بودن می‌تواند دلیلی بر تشریح باشد، علت آن را عدم ارزش مالی می‌تواند بر شمرده‌اند که رضایت وراثت در این باره کافی نیست.

### شافعی

اکثر جامعه اهل تسنن کشور را پیرویان مذهب شافعی تشکیل داده و لذا بررسی احکام این مذهب در تشریح جسد، اهمیت ویژه‌ای دارد. در مذهب شافعی احترام خاصی به می‌ت همچون زندگان توصیه شده است. هم غسل دادن و کفن کردن می‌ت (به‌رغم وجود تفاوت‌هایی در جزئیات با فقه امامی) واجب بشمار می‌رود، ولی تحنيط واجب نیست. مانند دیگر مذاهب اهل تسنن و همچنین تشیع، تجهیز و دفن می‌ت واجب است، اما معطر کردن وی الزامی نیست. به تبع آن در منابع فقهی امامی و اهل سنت، بر فضیلت و ثواب تشیع جنازه می‌ت مسلمان تأکید بسیار شده است. در این مذهب نیز پوشیدن لباس سیاه، شیون کردن بر روی می‌ت، آسیب رساندن به بدن و... نهی شده است و برای عزاداری محدودیت‌هایی وجود دارد. این مذهب نیز انتقال می‌ت مسلمان را از شهری که در آن وفات کرده، به جایی دیگر، پس از دفن (جز در موارد خاص) صحیح نمی‌دانند، اما عمدتاً با شروطی، نقل و انتقال او قبل از دفن را صحیح شمرده‌اند. لزوم دفن در قبرستان اهل سنت یک ضرورت بوده و لذا انتقال با هدف دفن در مکان‌های مخصوص این مذهب، یک ضرورت است.

### دیه

این طایفه (شافعی) احکامی را که در باب تلف اموال به هنگام أخذ بدل و عرض ثابت می‌دانند، به باب دیات نیز تسری داده‌اند و چنین استدلال نموده‌اند که دیه نیز بدل از نفس تلف شده است. شیخ محمد عبده یکی دیگر از فقهای شافعی در بیان فلسفه وجوب دیه می‌گوید: دیه در حقیقت به جهت نرم کردن دل‌های اولیای دم، جبران بهره‌ای که آن‌ها از وجود مشغول می‌برده‌اند و اکنون از آن محروم گشته‌اند و همچنین، بدین جهت که با أخذ آن رضایت بازماندگان مقول جلب شده، از بروز کینه و دشمنی میان طرفین جلوگیری شود، واجب گردیده است (عبده، ۱۳۳۰ق، ج ۱، ص ۶۵۲).

## تشریح جسد با هدف آموزش

دیدگاه فقهای شافعی در مورد تشریح جسد، بیشترین قرابت را با فقه امامیه دارد. تقریباً نمی‌توان تفاوتی در دیدگاه کلی آنان با فقه امامیه یافت. لزوم احترام به مسلمان و عدم احترام کافر، اولویت تشریح جسد کافر، احترام کامل میت در حین تشریح، استفاده به قدر نیاز، ضرورت تشریح با هدف حفظ جان مسلمانان و دیگر مسائلی که جزئیات آن در فصل پیشین بیان شد، در اینجا نیز عنوان شده و فقهای شافعی بدون کم‌ترین تغییر در آنچه فقه امامیه بیان کرده، نسبت به وجود استفاده از جسد برای تشریح فتوا داده‌اند. در صورت آسیب عمدی به جسد نیز دیه لحاظ شده که به موجب احکام اسلامی به مانند دیه انسان زنده می‌بایست پرداخت شود.

## مالکی

در مذهب مالکی، هم غسل دادن و کفن کردن میت (به‌رغم وجود تفاوت‌هایی در جزئیات با فقه امامی) واجب بشمار می‌رود، ولی تحنيط واجب نیست. در واقع مذاهب اربعه اهل سنت به صورت کلی عزاداری طولانی برای میت را نکوهش کرده، و بر از سرگیری زندگی عادی تأکید دارند. در برخی منابع آمده که میت می‌بایست کم‌تر از یک روز بر زمین بماند و زندگی عادی نیز کم‌تر از هفت روز از سر گرفته شود. مالکیان تغییر مکان میت را، چه قبل و چه پس از دفن، مشروط به اموری چون از بین نرفتن حرمت او و به مصلحت بودن انتقال، پذیرفته‌اند.

## دیه

یکی از فقهای مالکی ابن ابی بکر محمد بن عبدالله ابن العربی، مقایسه‌ای میان فلسفه تشریح دیه در قتل خطایی و قصاص در قتل عمد نموده و علت وجوب دیه را جبران خسارت ناشی از فعل جانی و علت وجوب قصاص را بازداشتن افراد از ارتکاب چنین عملی دانسته است. او در ادامه، ضمن بیان این نکته که فلسفه قرار دادن دیه بر عهده عاقله رفق و مدارا با مرتکب فعلی خطایی می‌باشد، نتیجه‌گیری می‌کند کسی که از روی خطا مرتکب قتل می‌شود، مرتکب هیچ گناه و فعل حرامی نشده، و لذا مستحق مجازات نخواهد بود. عبارت این فقیه مالکی این‌چنین است: «أوجب الله تعالى النيه في قتل الخطأ جبراً، كما أوجب القصاص في قتل العمد زجراً و جعل الدية على العاقه رفقاً و هذا يدل على أن قاتل الخطأ لم يكتسب إنمّا ولا محرماً...». از عبارت فوق درمی‌یابیم که فقهای مالکی نیز با بینشی مشابه با فقهای سایر مذاهب اسلامی، موضوع دیه را مطرح نموده و با قبول آن به عنوان جبران‌کننده اثر جنایت، مجازات بودن آن را نفی کرده‌اند (غفاری، ۱۳۹۵، ص ۴۸).

بنابراین، فقهای اهل سنت ضمن اینکه به مسئله عثر بودن خطا تصریح کرده‌اند، به روشنی به جنبه جبرانی داشتن دیه نیز اشاره نموده و متذکر شده‌اند که عثر بودن خطا تنها می‌تواند مانع کیفر عامل جنایت خطایی شود، اما نمی‌تواند حرمت خون مسلمان را هم بدارد (همان). بر دریافت دیه جنایت بر میت اجماع وجود دارد که دیه جنایت بر مرده به وارث نمی‌رسد. تبصره ماده ۷۲۲ ق.م.ا. نیز بر این مطلب اشعار داشته و باید در راه‌های خیر مثل خرید حج و صدقه دادن از طرف مرده و یا پرداخت دین صرف شود و نهایتاً اینکه این دیه خود میت می‌رسد، ولی در مقابل این نظر جمهور

فقهای شیعه، نظر سید مرتضی علم الهدی این است که دیه جرم بر مرده را متعلق به بیت‌المال می‌داند. از نظر قانون مجازات اسلامی در جنایات مادون نفس، چون مجنی علیه نمرده است، خود او دیه را دریافت می‌کند و هیچ کس با او در این زمینه شریک نیست. همچنین، هرگاه مجنی علیه کشته شود، دیه جزء ترکه او محسوب شده و به ورثه زمان فوت او بر اساس طبقات ارث و به میزان سهم الارثی که هر وارث دارد، منتقل می‌شود، ضمن اینکه دیون او از همین محل تأدیه شده و وصیت او به اجرا درمی‌آید. بدین ترتیب، هر کس که از مال ارث می‌برد، از دیه نیز ارث می‌برد؟ طبق نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه مستفاد از مواد ۴۱۶ و ۷۱۴ به بعد ق.م.ا. (تعزیرات)، صدور حکم به پرداخت دیه فقط در صورت مطالبه اولیای دم مجاز است و بدون درخواست ولی دم دادگاه نمی‌تواند حکم به تأدیه دیه صادر کند، اما اگر مقتولی وارث نداشته باشد، دیه او به بیت‌المال تعلق خواهد گفت. قسمت اخیر ماده ۴۵۱ ق.م.ا. مقرر می‌دارد: ... در موارد فقدان وارث دیگر، مقام رهبری وارث است. اما دیه جنایت بر میت را به چه کسی باید پرداخت؟ نظر مشهور فقهای امامیه این است که دیه به خود میت تعلق دارد. در بین فقهای شیعه در اینکه این دیه به چه کسی تعلق می‌گیرد، اختلاف بوده و به طور کلی سه نظر وجود دارد (کریمی، ۱۳۹۴، ص ۳۶):

الف) قول مشهور فقها که می‌گویند: این دیه برخلاف سایر موارد به ارث بازماندگان متوفا نرسیده و باید به نیت خود او صرف امور خیریه و صدقه شود. مستند این قول همان روایت حسین بن خالد است و امام موسی کاظم در قسمتی از آن حکم تعلق دیه را خود متوفا بیان کرده‌اند: «... اما مرده‌ای که سر او قطع شده است، پیش از آن که مورد جنایت قرار گیرد، تمام منفعی که برای بازماندگانش داشته، فوت شده و از دست رفته است. لذا، دیه قطع سر تنها به خود او می‌رسد تا در جهت مصلحتش صرف شود و دیگران از آن بهره‌ای ندارند. قول دیگری که در اینجا وجود دارد، قول سید مرتضی و ابن ادریس حلّی (۱۴۱۰ق) است که معتقدند، دیه در این مورد باید به بیت‌المال و امام مسلمانان پرداخت شود (همان).

ابن ادریس می‌گوید: فرقی که بین دیه جنین و دیه میت وجود دارد این است که دیه جنین به ورثه او می‌رسد، اما دیه مرده را کسی از آورنده مستحق نمی‌شود، بلکه برای خود متوفاست، تا از آن به نیت او صدقه دهند، البته بنا بر آنچه شیخ ابوجعفر طوسی در کتاب النهایه گفته است. اما سید مرتضی معتقد است که این تپه به بیت‌المال می‌رسد (یگانگی، ۱۳۷۸، ص ۵۸).

ایشان با جمع میان روایات موجود، نظر دیگری ارائه کرده‌اند که می‌توان آن را جمعی میان قول مشهور و قول مرتضی نیز به حساب آورد. ایشان می‌گویند: هر کس سر مرده‌ای را قطع کند، بر اوست که صد دینار بپردازد که این مبلغ را امام و حاکم مسلمین و یا هر کس را که امام برای حکم بین مردم تعیین کرده است، أخذ می‌کند و از طرف مرده صدقه می‌دهد و از این مبلغ چیزی به ورثه پرداخت نمی‌شود. به دلیل همین نظرات، برخی از نویسندگان، قول مشهور را که در تبصره ماده ۷۲۲ ق.م.ا. منعکس شده و مطابق آن دیه جنایت بر میت به عنوان میراث به ورثه نمی‌رسد، بلکه مال خود میت محسوب شده و بدهی او از آن پرداخت می‌گردد و در امور خیریه صرف می‌شود را تحت عنوان «جهات بر و احسان» ذکر می‌کنند.

در هر حال، آنچه از بررسی اقوال فوق مشخص می‌شود این است که حکم این مورد با سایر موارد متفاوت است و اگرچه با سه قول مواجه هستیم، اما وجه مشترک همه آنها این است که دیه جنایت بر میت به بازماندگان او نمی‌رسد که نشانگر تفاوت اساسی این مورد دیه با دیگر موارد است. به نظر این گروه علت پرداخت مبلغ دیه در این مورد به بیت‌المال این است که در اینجا جانی به عنوان مجازات ملزم به پرداخت این مبلغ شده است و در غیر این صورت می‌بایست مانند سایر موارد دیه این مبلغ به بازماندگان متوفا تعلق می‌گرفت. این سخن از کلام ابن ادریس (۱۰۴۱ق) که تعلق دیه به بیت‌المال در این موارد را بر جنبه کیفری داشتن أخذ آن تعریف کرده است، به خوبی دریافت می‌شود. فقها این موضوع را پذیرفته‌اند که دیه اگر به عنوان مجازات أخذ شود، باید به بیت‌المال پرداخت گردد، همچنان که در مورد جزای نقدی و سایر مجازات ملی که به عنوان یکی از انواع تعزیرات مورد پذیرش قانون مجازات اسلامی واقع شده، وضع به همین منوال است و قاضی آنها را به نفع بیت‌المال استیفاء می‌کند. از این رو، کسانی که در مورد دیه بریدن سر مرده نظرشان این است که باید به بیت‌المال پرداخت شود، ابتدا این موضوع را پذیرفته‌اند که در این مورد دیه به عنوان مجازات أخذ می‌شود. لذا، در مورد سایر دیات که به اتفاق همه فقها مجنی علیه و یا اولیای دم مستحق دریافت آن هستند، جای هیچ شک و شبهه‌ای نمی‌ماند که أخذ آن به عنوان جبران خسارت متضرر است و از ماهیت جزایی برخوردار نیست.

### تشریح جسد با هدف آموزش

در این مذهب اسلامی، بر حفظ جان مسلمانان بسیار تأکید شده و هر اقدام مرتبط با بدن را ضروری انگاشته‌اند. لذا، تشریح جسد که با هدف حفظ جان مسلمانان صورت می‌گیرد، ضرورت دارد و عملی مشروع تلقی می‌شود. فقهای این مذهب به کرات سفارش کرده‌اند که با امکانات امروزه می‌بایست مانع از فساد جسد شوند. در صورت فساد شدن جسد، دیه بر خاطیان تعلق می‌گیرد. این مذهب در مورد دیه سخت‌گیری فراوانی کرده و لذا بر فساد شدن جسد، دیه مشخص کرده‌اند. عریان کردن آلات تناسلی جسد منع شده و این مسئله در فتاوی فقهای این مذهب آمده است. جدا کردن اجزای جسد با هدف آموزش منعی نداشته و در غیر این صورت بدن دیه تعلق می‌گیرد. نگاه داشتن جسد با هدف استفاده از آن در آینده مجاز شمرده شده و قدر نیاز در این مذهب سفارش نشده است، چرا که ممکن است در آینده نیاز به آن احساس شود که تهیه آن ممکن نباشد. لذا، بر این مبنا حکم کلی تشریح جسد در این مذهب اسلامی مجاز شمرده شده است.

### تطبیق دیدگاه مذاهب اربعه

مذهب حنفی بیشترین اظهارنظر را در مورد تشریح جسد کرده و با توجه به آنکه عمدتاً در کشورهای اسلامی نظیر مصر، آموزش پزشکی قدرت چند هزارساله دارد، مستقیماً مرتبط با آن به اظهارنظر پرداخته‌اند. علمای شافعی نیز به همین صورت اظهار نظراتی داشته که این دو مذهب را می‌توان دارای بیشترین سهم در تحقیقات فقهی این حوزه دانست. حنفی‌ها در مورد فساد جسد سخت‌گیری کرده و بر خاطبان آن دیه لحاظ کرده‌اند. مسئله دیه در این مذهب به

صورت سخت‌گیرانه اعمال شده است. اما حنابله در دیدگاهی منطقی‌تر، فساد جسد را مستوجب دیه ندانسته‌اند. در این مذهب سخت‌گیری انجام شده، بر مسئله هم‌جنس بودن تشریح شونده و تشریح کنندگان است که حرمت میّت کاملاً حفظ شود، به این مسئله در دیگر مذاهب چندان توجه نشده است. دیدگاه شافعی را می‌توان تعدیل‌یافته خواند. آنها به مانند فقه شیعه، دیه را تنها برای جنایت بر جسد خوانده‌اند. طبیعتاً مثله کردن جسد و در نهایت فساد و تدفین آن، با توجه به ضرورت آموزش علم پزشکی، منعی ندارد. مذهب مالکی نیز برای فاسد شدن جسد دیه تعیین کرده، اما نسبت به مثله کردن آن، سخت‌گیری ننموده و آن را برای آموزش پزشکی و حفظ جان مسلمانان ضروری خوانده است. اما این مذهب به مانند حنفیان، نسبت به جنسیت جسد سخت‌گیری کرده و عریان کردن مو و آلت تناسلی جسد را کاملاً ممنوع دانسته‌اند. در مذهب مالکی قدر نیاز رد شده و نگهداری اجساد بیش از حد نیاز، با هدف استفاده از آن در زمان عدم تأمین را صحیح شمرده‌اند که در دیگر مذاهب این عمل ناشایست خوانده شده و تنها به قدر نیاز، صحیح شمرده شده است. در مورد احترام مسلمان و اولویت تشریح جسد کافر، این مسئله تنها در مذهب حنفی بحث نشده و در دیگر مذاهب همانند فقه امامیه، لزوم اولویت تشریح جسد کافر بیان شده است. به عقیده حنفیان، تشریح جسد برای میّت احترام داشته و نشان از بزرگواری وی است، لذا تشریح آن بی‌احترامی محسوب نشده که آن را به کافر نسبت دهند. در عین حال همین مذهب اسلامی، بدون ذکر نام کافر و یا مسلمان، آسیب‌رسانی به اعضای درونی را منع کرده و آن را مستوجب دیه دانسته است. با توجه به کمبود منابع در این حوزه، نمی‌توان عنوان عمومی را به این نظر اطلاق کرد، اما ظاهراً این حرمت برای اجساد مسلمان بوده و مثله کردن جسد متعلق به کافران است. این اظهارنظر در دیگر مذاهب اربعه جایگاهی نداشته و همگی مثله کردن جسد برای آموزش را مجاز خوانده‌اند. اما مقدار دیه در مذاهب اربعه یکسان لحاظ شده و آن را با دیه انسان زنده، یکسان دانسته‌اند.

همان‌طور که بیان شد، حکم اصلی لزوم تشریح جسد با هدف آموزش پزشکی در مذاهب اهل سنت و تشیع یکسان است و تفاوت‌ها تنها در نحوه تشریح می‌باشد. با توجه به اینکه اکثریت اهل تسنن ساکن کشور را شافعیان تشکیل می‌دهند، تطابق دیدگاه این مذهب با فقه امامیه موجب یکدست شدن قوانین مصوب در کشور و عدم تناقضات خاص این حوزه شده است. وصیت میّت برای سپردن جسد وی پس از مرگ به دانشگاه علوم پزشکی، در تمامی مذاهب اربعه و همچنین فقه امامیه تأیید شده و بدین صورت راه‌حلی مناسب برای تأمین جسد، فراهم شده است. انتقال میّت تنها در مذهب حنفی نهی شده و در دیگر مذاهب اهل سنت و همچنین فقه امامیه، مورد تأیید فقهاست. اختلافات موجود در احکام تشریح جسد، معمولاً در یک الی دو مذهب اهل سنت مشاهده شده و قابلیت تعمیم به کل اهل سنت را ندارد. بر این اساس می‌توان اصول کلی تشریح جسد بین دو مذهب بزرگ اسلامی تشیع و تسنن را یکسان دانست.

## نتیجه‌گیری

از بین مذاهب اربعه اهل سنت، مذهب شافعی در مورد تشریح جسد، نزدیک‌ترین دیدگاه با فقه امامیه را دارد. دقیقاً شرایطی که برای تشریح جسد بیان شد، در این مذهب تکرار شده و استنادهای آن نیز تقریباً یکسان است. فقهای این مذهب به همان آیات و روایاتی استناد کرده‌اند که در متون فقه امامیه وجود دارد. مذهب مالکی نسبت به فساد جسد سخت‌گیری‌های بیشتری داشته و مطابق فتاوی بزرگان این مذهب، در صورت فساد شدن جسد، دیه به آن تعلق می‌گیرد. برخلاف فقه امامیه نگهداری اجساد اضافه تشریح مجاز شمرده شده است. حفظ حرمت جسد در این فقه بیشتر سفارش شده است. حنابله انتقال جسد از شهری به شهر دیگر را برای تشریح ممنوع خوانده‌اند. در واقع میت در همان جایی که فوت کرده، می‌بایست تشریح گردد. مسئله هم‌جنس بودن تشریح شونده، تشریح کننده و بینندگان در این مذهب سفارش اکید شده و آن را مصداق حفظ حرمت میت دانسته‌اند. همچنین رضایت وراثت میت برای سپردن جسد به دانشگاه در این مذهب کافی نیست. حنفیان مدت محدودی را برای تشریح ذکر کرده‌اند و پس از پایان آن، می‌بایست نسبت به تدفین میت اقدام کرد. بخیه زدن بر روی پوست میت، مجاز بوده، ولی هرگونه آسیب به اجزای درونی آن ممنوع است. برخلاف فقه امامیه، در این مذهب اولویت داشتن تشریح جسد کافر ذکر نشده است.

صورت کلی نظر فقهای اسلامی در مورد تشریح جسد یکسان است. هیچ یک از فقهای مسلمان در مذاهب مختلف نسبت به منع تشریح جسد حکم نداده‌اند. تنها استنادها به این مسئله متفاوت بوده و احکام جزئی برای آن برشمرده‌اند. مذاهب اربعه نیز با وجود تفاوت در جزئیات و احکام مرتبط با تشریح جسد، این مورد را مجاز دانسته و با هدف حفظ جان مسلمانان و مصلحت جامعه، نسبت به تعدیل برخی احکام فتوا داده‌اند.

## منابع

- ابن ادریس حلی (۱۴۱۰ق). السرائر. قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ج ۱.
- ابن عابدین، محمد امین (۱۴۱۲ق). رد المختار. دمشق: صالحین، چاپ چهارم، ج ۲.
- ابن قدامه (۱۴۱۱ق). المغنی. قاهره: الازهر، چاپ هفتم، ج ۱.
- بهشتی، مطهره (۱۳۹۲). بررسی احکام کالبدشکافی و نبش قبر میّت در کشف جرم و احقاق حق. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری.
- بهوتی، منصور (۱۰۵۱ق). کشاف القناع، امان (اردن): نشر قیاس، چاپ دوازدهم، ج ۲.
- حصفکی، محمد علاءالدین (۱۰۸۸ق). رد المختار. قاهره: الازهر، ج ۱.
- خمینی، سید روح الله (۱۳۸۰). استفتانات. قم: جامعه مدرسین، چاپ سوم، ج ۱.
- خویی، ابوالقاسم (۱۴۱۸ق). منهاج الصالحین. نجف: مطبعه الآداب، چاپ بیست و هفتم، ج ۱.
- داماد افندی، محمد بن سلیمان (۱۰۷۹ق). مجمع النهر. قاهره: الازهر، ج ۱.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۹۶). فرهنگ لغت فارسی، تهران: نشر نوین، چاپ سوم، جلد اول.
- رازی، فریده (۱۳۹۵). فرهنگ واژه‌های سره. تهران: نشر نوین، چاپ سوم، ج ۲.
- سرخسی (۱۴۱۲ق). المبسوط. قم: دارالقلم، چاپ سوم، ج ۲.
- سیستانی، علی (۱۴۱۴ق). رساله توضیح المسائل. قم: دارالقلم، چاپ سوم، ج ۱.
- صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۴۱۹ق). رساله توضیح المسائل. قم: دفتر آیت الله گلپایگانی، ج ۱.
- عبده، محمد (۱۳۳۰ق). تفسیر منار. قاهره: الازهر، چاپ سوم، ج ۱.
- علم الهدی، محمد (۱۴۱۲ق). الانتصار جوامع الفقهیه. تهران: جهان، ج ۱.
- عمید، حسن (۱۳۹۶). فرهنگ لغت فارسی. تهران: نشر نوین، چاپ سوم، ج ۱.
- غفاری، راضیه (۱۳۹۵). امکان بزه دیدگی پس از مرگ. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تبریز.
- فاضل لنکرانی، محمد (۱۳۷۷). استفتانات. قم: مدرسه امیرالمومنین، چاپ سوم، ج ۱.
- فرهنگ لغت عربی - فارسی. تهران: نشر نوین، ۱۳۹۵، چاپ سوم، ج ۳.
- قاری، ملاعلی (۱۳۵۹ق). مجله احکام شرعیه. بیروت: کتب اسلامی، چاپ نهم، ج ۱.
- کریمی، حسین (۱۳۹۴). فقه شیعه و نیازهای جهان معاصر. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم.
- گلپایگانی، لطف الله (۱۳۹۴). رساله توضیح المسائل. قم: دارالمعارف.

- معین، محمد (۱۳۹۷) فرهنگ لغت فارسی. تهران: نشر نوین، چاپ سوم، ج ۱.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۰ الف). استفتانات جدید. قم: امیرالمومنین، چاپ سوم، ج ۱.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۰ ب). بحوث فقهیه. قم: دارالقلم، ج ۱.
- مودود، عبدالله (۱۴۰۱ ق). وصال موصل. قم: اسلامیة، چاپ دوم، ج ۲.
- نجدی، عثمان (۱۰۹۷ ق). هدایه الراغب. مسقط: سلامه، چاپ هشتم، ج ۲.
- یگانگی، سیده فاطمه (۱۳۷۸). بررسی تطبیقی احکام پیوند تشریح و تلقیح. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه قم.